

«قاف اقیانوس» قصه‌ای از دل جزیره هرمز

جزیره هرمز، با خاک سرخ و دریای آبی‌اش، همیشه قصه‌های خودش را داشته. اما قصه امیرو، نوجوان این جزیره، وقتی سرنوشتش به لاک‌پشتی پوزه‌عقابی گره می‌خورد، سفری ناخواسته آغاز می‌شود.



جزیره هرمز، با خاک سرخ و دریای آبی‌اش، همیشه قصه‌های خودش را داشته. اما قصه امیرو، نوجوان این جزیره، وقتی سرنوشتش به لاک‌پشتی پوزه‌عقابی گره می‌خورد، سفری ناخواسته آغاز می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، «قاف اقیانوس» نوشته محمدرضا شرفی خبوشان، از آن دسته آثاری است که مخاطب نوجوان را نه فقط برای خواندن یک ماجرا، بلکه برای تجربه کردن یک جهان تازه به دعوت می‌خواند. جهانی که در آن رنگ‌های جزیره هرمز، بادهای جنوب، صدای امواج، قصه‌های دریانوردان و معصومیت نوجوانان، در تار و پود داستان تنیده می‌شود تا روایتی بسازد که هم ریشه در تاریخ دارد و هم سر در آسمان خیال.

آینه‌ای از حقیقت زیست جنوب

فضای داستان در جزیره هرمز شکل می‌گیرد؛ جایی که زمینش سرخ است، آسمانش بی‌انتهای، و زندگی مردمانش آمیخته با دریا. نوجوانانی که در این جزیره بزرگ می‌شوند، خواه ناخواه با صدای بادهای موسمی، با ریتم موج‌ها و با افسانه‌های ریشه‌دار در فرهنگ جنوب آشنا هستند. شرفی خبوشان با دقت و حساسیتی ویژه این جهان را توصیف می‌کند، آن‌گونه که مخاطب نه تنها در برابر یک اثر داستانی قرار می‌گیرد، بلکه گویی پا به زندگی واقعی نوجوانان جنوب می‌گذارد. دغدغه‌های کوچک و بزرگ آنان از دوستی و بازی و خیال‌پردازی گرفته تا حس مسئولیت نسبت به هویت بومی و محیط زیست در بافت داستان چنان زنده تصویر شده که خواننده را با خود همراه می‌کند.

نقطه آغاز یک تحول درونی

ماجرای اصلی کتاب با حضور یک لاک‌پشت پوزه‌عقابی کمیاب آغاز می‌شود؛ حیوانی که در جزیره هرمز ارزش فرهنگی و زیست‌محیطی دارد و نمادی از ضرورت حفظ طبیعت بکر جنوبی است. نوجوانان داستان، هر یک با انگیزه و دیدگاهی متفاوت، پا در این مسیر می‌گذارند؛ برخی با سودای ماجراجویی و کسب تجربه، برخی با انگیزه‌های شخصی یا حتی خیال‌بافی‌هایی کودکانه، و برخی با نگاه مسئولانه. این لاک‌پشت نه تنها محور داستان است بلکه در سطحی عمیق‌تر، محرکی است برای شکل‌گیری هویت، شجاعت و رشد شخصیتی شخصیت اصلی یعنی «امیرو». او در برخورد با این موقعیت میان ترس و مسئولیت گرفتار می‌شود؛ موقعیتی که بسیاری از نوجوانان در مسیر بلوغ با آن روبه‌رو هستند.

امیرو، نوجوانی در مسیر کشف خود

امیرو شخصیتی است که داستان را به پیش می‌برد و نگاه اوست که جهان روایت را می‌سازد. او نه یک قهرمان از پیش آماده است و نه نوجوانی بدون خطا. در آغاز روایت، تردید و ترس در وجودش آشکار است، اما مواجهه با ماجرای لاک‌پشت و تصمیمی که باید بگیرد او را به سمت شجاعت، آگاهی و مسئولیت‌پذیری سوق می‌دهد. هنگامی که امیرو ناخواسته وارد سفری دریایی می‌شود و به دل اقیانوس کشیده می‌شود، این سفر تبدیل به استعاره‌ای از عبور نوجوان از مرزهای کودکی و ورود به جهان بزرگ‌سالگی می‌شود؛ سفری که در آن باید از ترس‌ها گذشت، به توانایی‌های درونی ایمان آورد و معنای تازه‌ای از «من کیستم؟» را جست‌وجو کرد.

جزیره هرمز، شخصیت خاموش روایت

هرمز در این داستان تنها یک مکان نیست؛ شخصیت زنده‌ای است که حضورش در هر صحنه احساس می‌شود. رنگین‌کوه‌ها، سکوت ساحل‌های خلوت، نخل‌ها، بوی دریا، نسیم ملایم شب، رنگ سرخ خاک و افسانه‌هایی که نسل به نسل تکرار شده‌اند، در کنار هم فضایی را خلق می‌کنند که نه تنها پس‌زمینه روایت است، بلکه در شکل‌گیری احساسات و تصمیم‌های شخصیت‌ها نقش مستقیم دارد. نویسنده چنان به جزئیات بومی جزیره توجه کرده که خواننده با هر سطر احساس می‌کند در دل هرمز قدم می‌زند و تجربه‌ای حسی از این منطقه دارد. این توصیف‌های دقیق، فرهنگ و تاریخ جنوب را از دل کتاب به دنیای مخاطب می‌آورد.

«قاف اقیانوس» در ظاهر داستانی ماجراجویانه است، اما پیام زیست محیطی اثر از همان صفحات نخست خود را نشان می دهد. لاک پشت پوزه عقابی نماد طبیعتی است که در معرض خطر قرار دارد و امیرو نوجوانی که تصمیم می گیرد برای نجات آن تلاش کند، نمادی از نسلی هست که می تواند جهان را مسئولانه تر از گذشته بسازد. نویسنده با اشاره به موضوعاتی چون شکار غیرمجاز، آسیب پذیری گونه های دریایی و اهمیت حفظ زیست بوم های جنوب، بدون شعار و مستقیم گویی، مسئولیت پذیری نسبت به محیط زیست را در قالب داستانی جذاب و تأثیرگذار منتقل می کند.

یکی از ویژگی های برجسته این رمان، چندلایگی ساختار آن است. داستان از یک سو روایتی سرشار از هیجان، خطر، حرکت و ماجراجویی دارد و از سوی دیگر در لایه های زیرین خود به هویت، تاریخ، فرهنگ، اسطوره و دغدغه های نوجوانی می پردازد. این تلفیق باعث می شود مخاطب نه تنها از جریان پرشتاب داستان لذت ببرد، بلکه همیشه چیزی برای تفکر و تأمل نیز در اختیار داشته باشد. نویسنده توانسته از زبان تصویری، جزئیات دقیق و ساختاری منسجم استفاده کند تا لایه های مختلف داستان را بی آنکه درهم تنیده و گنگ شوند، در کنار هم پیش ببرد.

دریامدرسه ای برای یادگرفتن زندگی

دریا در جنوب کشور همیشه بیش از یک عنصر طبیعی بوده؛ مدرسه ای است که نسل ها در آن درس شجاعت، صبوری و امید آموخته اند. در «قاف اقیانوس» نیز دریا نقشی محوری دارد. سفری که امیرو ناگهان وارد آن می شود، او را در برابر ترس های بزرگ، ناشناخته ها و خطر بقا قرار می دهد. او در دل امواج و زیر آسمان بی انتها به یاد داستان هایی که معلم مدرسه یا بزرگ ترهای جزیره تعریف کرده اند می افتد و از آن ها نیرو و الهام می گیرد. دریا برای او آزمونی است برای سنجش ایمان، اراده و توانایی واقعی اش.

آینه ای برای شناخت هویت بومی

یکی از برترین امتیازهای این کتاب توجه جدی به هویت بومی است. مخاطب نوجوان که شاید کمتر فرصت آشنایی با فرهنگ جنوب، تاریخ دریایی ایران و تنوع اقلیمی کشور را پیدا کرده، با خواندن این اثر نه تنها با یک ماجرا آشنا می شود، بلکه بخشی از هویت سرزمینش را بازمی شناسد. این رمان نشان می دهد که چگونه می توان مفاهیم فرهنگی و تاریخی را بدون تحمیل و در قالب داستانی جذاب به نسل جوان منتقل کرد.

این کتاب تجربه ای منحصربه فرد از یک رمان نوجوان است؛ اثری که هم سرگرم کننده است و هم معرفت بخش. نوجوان با خواندن آن با فرهنگ و جغرافیای جنوب ایران آشنا می شود. اهمیت محیط زیست را به صورت ملموس درک می کند. مفهوم شجاعت و مسئولیت پذیری را از دل ماجرا درمی یابد و تصویر روشنی از هویت فرهنگی و اسطوره ای کشورش به دست می آورد و همچنین تجربه ای عاطفی و هیجان انگیز از مواجهه با طبیعت و ناشناخته ها را لمس می کند.

در بخشی از کتاب می خوانیم:

آمریکایی ها که عصبانی بودند، طی جنگ با حمله به سکوهای نفتی ایران و گشت زنی در خلیج فارس و دریای مکران و تهدید کشتی های جنگی ایران با دشمن ما متحد شدند. حتی آن قدر نامرد بودند که از همین خلیج فارس ناو جنگی شان به طرف هواپیمای مسافربری ما دو تا موشک شلیک کرد و تمام ۲۹۰ نفر مسافر که نزدیک شصت هفتاد نفرشان کودک و نوجوان بودند شهید شدند. اما نیروی دریای ما قدرتش را حفظ کرد و روز به روز قوی تر شد؛ آن قدر قوی که الان می تواند ناوهای جنگی اش را بردارد و با ۳۵۰ نفر دریانورد تا قاره آمریکا برود و دور دنیا را دور بزند.

از آمریکایی ها کاری برنمی آید جرئت نزدیک شدن به ناو گروه ما را ندارند. ناوگروه ۸۶ با قدرت تمام از آب های مکران به طرف اقیانوس هند می رود می خواهد از همه اقیانوس ها عبور کند و پرچم ایران را دور کره زمین بچرخاند و بگوید ما برای دوستی آمده ایم، ما پیام صلح داریم، ما به دوردست ها می رویم اما مثل شما نیستیم که بچه های داخل هواپیماها را با موشک هایمان بکشیم.

کتاب «قاف اقیانوس» نوشته محمدرضا شرفی خبوشان در ۱۶۸ صفحه و در انتشارات معارف منتشر شده است.